ربِّ بحقِّ احمدٍ سیّدنا المقتدی — مفتخرٍ مقرّبٍ منتجبٍ ...

ذی شرفٍ مشرّفٍ ذی ظفرٍ مظفّرٍ — ذی خطرٍ مخطّرٍ ذی کرمٍ ...

ثمّ بشخص النّجف ... — قائل قولِ لو کشف ...

حیدر ربّنا الغضنفر ... — شافعِ یومِ محشرٍ ...

الحسنین اولا ثمّ علیٍّ ثانیاً — ثمّ بباقر الّذی جعفرهم ...

ثمّ علیٍّ الرّضا ثمّ بعدهِ التّقی — ثمّ بنقوة الهدی والحسن ...

ثمّ بعسکر التّقی بحجّ مظهر السّلف — ثمّ بحجّة الخلف ...

انت تقبل الدّعا انت ... — انت ترحم الخطا عن کرم ...

انت مجمع النّعم ... — ... الکرم بمحمّد ...

۱ اللّهمّ اجعل القرآن لنا فی الدّنیا قریناً

وفی سکرات الموت تیسیراً وفی القبر مونساً

وفی القیامة شفیعاً وفی الجنّة رفیقاً

وعلی النّار ستراً وحجاباً وعلی الخیر کلّها دلیلاً واماناً برحمتک یا ارحم الرّاحمین

اللّهمّ ما کان منّا فی تلاوة القرآن من سهوٍ

او خطاءٍ او نسیانٍ او لحنٍ او زیادةٍ

او نقصانٍ او تحریفِ کلمةٍ عن مواضعها

او ترکِ المدّ او همزةٍ او الاخفاء

او الادغام او تشدیدٍ او الجزم او تغییرِ

حرفٍ علی غیر ما انزلته فاعف عنّا یا ربّاه

ولا تؤاخذنا یا مولاه یا ذا الجلال والاکرام

اللّهمّ اسمع واستجب وتقبّل وصلّی الله

علی خیر خلقه ونور عرشه محمّد وآله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین

دعای حضرت صاحب الامر بعد از هر فریضه خواندن ثواب بسیار دارد خصوصاً در اوّل هر ماه

الهی بحقّ صفاتک وبعزّة جلالک ویا اعظم

اسمائک وبعصمة انبیائک وبنور اولیائک

وبدم شهدائک واسئلک زیادة فی العلم

وبرکة فی الرّزق وصحّة فی الجسم وتوبة

قبل الموت وراحة عند الموت ودخولاً

فی الجنّة ونجاة من النّار وعافیة فی الدّنیا

والآخرة برحمتک یا ارحم الرّاحمین

وصلّی الله علی محمّد وآله اجمعین الطّیّبین الطّاهرین

از رسول خدا صلّی الله علیه وآله منقول است که هر کس این دعا را در هر شام مداومت نماید از جمیع بلیّات و حفظ الهی باشد

اللّهمّ یا حافظ نوحٍ فی الماء ویا حافظ موسی

فی الیمّ ویا حافظ یونس فی بطن الحوت ...

يا حافظ إبراهيم في النار ويا حافظ يوسف
في الجب ويا حافظ محمد صلى الله عليه
وآله وسلم في الغار احفظني من جميع
الآفات والعاهات والأمراض والأسقام
والعلل ومن شر كل ذي شر وبلية
بمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
وباقي الأئمة صلوات الله وسلامه
إلى يوم القيامة برحمتك يا ارحم الراحمين

شرايين كه بركفن ميت نويسند شهد الشهود
المسمون في هذا الكتاب ان اخاهم
في الله عز وجل اشهدهم واستودعهم
واقر عندهم انه يشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله وانه

وانه مقر بجميع الأنبياء والرسل عليهم
السلام وان عليا ولي الله وامامه وان
الأئمة من ولده ائمة وان اولهم الحسن والحسين
وعلي ابن الحسين ومحمد ابن علي وجعفر
ابن محمد وموسى ابن جعفر وعلي ابن موسى ومحمد ابن علي
وعلي ابن محمد والحسن ابن علي والقائم الحجة عليهم
السلام وان الجنة حق والنار حق والساعة
آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في
القبور وان محمدا صلى الله عليه وآله ورسوله
جاء بالحق وان عليا ولي الله والخليفة
من بعد رسول الله ومخلفة في امة مؤديا
لامر ربه تبارك تعالى وان فاطمة بنت رسول
وابنيها الحسن والحسين عليهما السلام ابنا
رسول الله صلى الله عليه وآله وسبطاه وامام الهدى

وقاعد الرحمة وان عليا ومحمدا وجعفرا
وموسى وعليا ومحمدا وعليا وحسنا
والحجة عليهم السلام ائمة وقادة ودعاة
الى الله عز وجل وحجة على عباده

صيغه اخوت قبلت

واخيتك في الله وصافيتك في الله وصافحتك
في الله وعاهدت الله وملائكته وانبيائه
وكتبه ورسله الائمة المعصومين صلوات الله
عليهم اجمعين وفاطمة الزهراء عليها السلام على اني ان كنت
من اهل الجنة والشفاعة واذن لي الدخول
اليها لا ادخلها الا انت ولكن ديگر بگويد
قبلت اسقطت عنك جميع حقوق الاخوة
ما خلا الدعا والزيارة والشفاعة قربة الى الله

بايد اجاره دهنده و گيرنده مبلغ و مدت را معين مخصص
بعد از آن دهنده گويد آجرت گيرنده گويد قبلت الاجاره
ونيت صلوة چنين كند كه نماز ظهر يا عصر يا شام يا خفتن ميگذارم
نيابة لفلان قضا واجب قربة الى الله ونيت صوم چنين كند
كه روزه قضا ماه رمضان ميگيرم واجب نيابة لفلان قربة
الى الله اصلي فرض الظهر قضاء نيابة لفلان لوجوبه بالاجارة
وعلي بالاجارة لوجوبه قربة الى الله تعالى
هر كه اين دعا را در روز عاشورا بخواند در آن سال نميرد ذاكر اجلي محروم
توفيق خواندن نيابد هذا الدعا بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان الله ملأ الميزان ومنتهى
العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش
وسعة الكرسي لا ملجأ ولا منجا
من الله الا اليه سبحان الله عدد
الشفع والوتر وعدد كلماته التامات

واسئله السلامة برحمتك يا ارحم
الراحمين ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وهو حسبي ونعم الوكيل
نعم المولى ونعم النصير وصلى الله
على محمد وآله الطيبين الطاهرين
پس ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعا بخواند
يا فارج كرب ذا النون يوم عاشورا
يا جامع الشمل يعقوب يوم عاشورا
يا كاشف ضر حبيبه ايوب يوم عاشورا
يا سامع دعوة موسى وهارون يوم عاشورا
يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما
صل عليهم وعلى جميع الانبياء والمرسلين
واقض

واقض حاجتي في الدنيا والآخرة
وطول عمري في طاعتك ورضاك
برحمتك يا ارحم الراحمين
اجمال
در جمیع الدعوات مذکور است بر سبیل تفصیل و اینجا بطریق
مذکور شد و آنچنان بود که محمد بن عبدالله اسکندری نقل میکند
که روزی نزد منصور دوانیقی رفتم و او را غمناک یافتم
و او از ندیمان منصور بود پس پرسیدم از او سبب غمناکی
او را گفت از اولاد فاطمه هزار کس را بقتل رسانیدم و امام
و سردار ایشان را گذاشته ام گفتم یا امیر المومنین کیست
گفت جعفر بن محمد من گفتم که مردیست مشغول بعبادت اصلا
مملکت و خلافت بخاطرش نمیرسد گفت میدانم که بامامت
او اقرار داری پس جلاد را طلبید و گفت جعفر بن محمد را
حاضر گردانم و کلاه از سر بردارم میباید که فی الحال گردنش
بزنی پس جمعی را از آن حضرت فرستاد چون حاضر شد دیدم که
[illegible]

[illegible]

لب مبارکش میجنبید و چیزی میخواند و چنان دیدم که
این قصر مثل کشتی در حرکت آمد منصور پیش دوید با سر
برهنه مثل بیدا کان رنگ رویش متغیر شد حضرت را بر جای خود
نشاند و خود چون خادمان در پیش آن حضرت بایستاد و
گفت یا حضرت چه واقع است که در این وقت تشریف آوردید
حضرت فرمود که تو مرا طلب داشته گفت یا ابن رسول الله معذور
دارید که قاصد غلط فهمیده است اگر حاجتی است بفرمائید
حضرت فرمود که دیگر مرا طلب مکن و برخواست پس منصور
بیفتاد و بیهوش شد تا نصف شب و من بر سر بالین او بودم
تا بهوش باز آمد و گفت جعفر امام تو حاضر شد من اژدها
در خواب دیدم خواستم نسبت بآن حضرت بعمل آورم
که ناگاه

که ناگاه ماری عظیم دیدم که دم آن تمامی قصر مرا فرا
گرفته لب بالا را بر سقف و لب پائین را بر آستانه نهاده
بزبان فصیح گفت ای منصور بدرستیکه مرا حق تعالی فرستاده
که اگر تو تعرض رسانی بحضرت امام ترا با این قصر فرو برم پس
عقل از من کناره گرفت و چنان شدم که دیدی من گفتم که
عجب نیست زیرا که ابوعبدالله وارث علم پیغمبر است و نزد او
اسماء الله هست که اگر بر روز خواند شب گردد و اگر بر شب خواند
روز شود پس رخصت خواسته نزد مولای خود جعفر بن محمد رفتم
و گفتم یا مولای بحق جدت که تعلیم کن مرا دعائی که در نزد منصور
خواندی پس آن حضرت از برای من املا نمود و فرمود که این حرز است
جلیل القدر و دعائیست بسیار عظیم هر که صباح خواند در امان
خدا باشد تا شب و اگر شب خواند در امان حق باشد تا صبح و
۱۱ فرمود که این دعا میراث است مرا از پدرم و او از آبای خود

[illegible]

واین را از سید اوصیا و از سید انبیا علیهم السلام

حرز مبارک است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم

احرسنی بعینک التی لا تنام واکفنی برکنک

الذی لا یضام واغفر لی بقدرتک

علی رب لا اهلک وانت الرجاء اللهم

انت اعز واکرم مما اخاف واحذر

بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد

رسول الله صلی الله علیه واله اتوجه

یا کافی ابراهیم نمرود وموسی فرعون

اکفنی ما انا فیه الله الله ربی لا اشرک

به حسبی الله الرب من المربوبین حسبی

الخالق من المخلوقین حسبی الله لا اله

[illegible]

المانع من الممنوعین حسبی من لم یزل

حسبی مذ کنت حسبی الله لا اله الا هو

علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

در روز چهارشنبه سوره نوح بنویسد از برای معالجه سبزرز

وطفارک و در یک هفته بر موضع سبز ببندد مجرب

الم الم المص المر الر الر الر الر حم حم

حمعسق حم حم حم کهیعص طه طسم

طس طسم الم الم الم الم یس ص ق ن

ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا

ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده

انه کان حلیما غفورا ووضع الکتاب

فتری المجرمین مشفقین مما فیه ایها الکاهن

الی الموضع بحرمت محمد واله الطاهرین

آورده‌اند که روزی دیو را نزد حضرت سلیمان علیه السلام آوردند

حضرت سلیمان پرسید که جای تو کجاست گفت در میان

کودکان باشم و این را بترسانم تا کبود شوند و بگریانم

حضرت پرسید که علاج توجه چیز است این شکل را تعویذ کند

در گردنش ببندد

جهت گریستن کودک و زایمه شدن شیرزن زن برپستانش ...

خواند یا نوشته بر آنجا ببندد و اگر بر پستان گاو و یا گوسفند

خوانند یا بندند همین خاصیت دهد وحرمنا

علیه المراضع من قبل فقالت هل

ادلکم علی اهل بیت یکفلونه وهم

له ناصحون اگر خواهی کسی را ببندی بیاور

سپند و هفت بار سوره مبارکه اذا جاء نصر الله را

پیش از طلوع آفتاب بخوان و در آتش انداز ...

اگر

اگر خواهی که میان دو کس جدائی افتد بیاور

چهل یک دانه پنبه دانه و هر یک را یک مرتبه الم نشرح

بیک نفس بخوان و در زمین نمناک دفن کن جدائی

افتد اگر خواهی خواب کسی را ببندی از هفت گور کهنه

خاک برگیر و این آیه را هفت بار بر آن خاک بخوان و خاک را

بر بالای خفته انداز و اگر جای او را ندانی بر او در ... از خواب

بیدار نشود وجعلنا من بین ایدیهم سدا

ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم

لا یبصرون انا جعلنا علی قلوبهم واقر و

الیک الذی طبع علی قلوبهم برحمتک یا ارحم الراحمین

جهت فتح الرجب برکه تخم مرغ بنویسد یکی را مرد بخورد

و یکی را زن و یکی را با الف ... که تخم مرغ که مرد بخورد بنویسد

فالتقی الماء علی امر قد قدر بر یکی که زن بخورد

بنویسد که مرج البحرین یلتقیان و بر یکی که ... بخورد

١٦

بنوسيد وتركنا بعضهم يومئذ يموج
في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم
جمعا اگر كسى را حاجتى [illegible] وسلاطين [illegible]
اين نام مبارك را با خود دارد و از [illegible] نجات يابد
و از پادشاه و حاكم بروى [illegible] و اگر در زبان
نند و با دشمن سخن گويد دوست و [illegible]
ياسليما يا كهيا يا مكفيا
در حل هر بوط هر گاه كسى را بسته بند بنويسد اول سوره
انا فتحنا لك [illegible] صراطا مستقيما و سوره اذا جاء نصر الله
تا آخر و بنويسد اين آيات را كه از عقب يكديگر مذكور
يا رب العرش العظيم ومن آياته ان خلق السموات
لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها
وجعل مودة ورحمة ان في ذلك لآيات

١٧

لقوم يتفكرون ادخلوا عليهم الباب
فاذا دخلتموه فانكم غالبون ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر وقل
رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل
عقدة من لساني يفقهوا قولي وتركنا
بعضهم يومئذ يموج في ونفخ في الصور
فجمعناهم جمعا وضرب لنا مثلا ونسي
خلقه قال من يحيي العظام وهي رميم قل
يحييها الذي انشاها اول مرة وهو
بكل خلق عليم الذي جعل لكم من الشجر
الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون
اوليس الذي خلق السموات والارض بقادر

١٨

على ان يخلق مثلهم بلى وهو الخلاق العليم
انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن
فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل
شيء واليه ترجعون حتى اذا ركبا في السفينة
خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها لقد جئت
شيئا نكرا اللهم اني اسئلك بحق اسمك
المكنون بين الكاف والنون وبحق محمد واهل
بيته الطاهرين كه قدرت وقوة بده
بر مجامعت فلان بنت فلان بحق كهيعص وبحق حمعسق
وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل
ظلما وبالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم لقد جاءكم رسول من انفسكم
عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين

١٩

رؤوف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم [illegible]
[illegible]
اگر كسى را بسته باشند [illegible]
[illegible] باذن الله تعالى
[illegible]
[illegible] دفع زلو [illegible]
[illegible]
[illegible] دفع درد سر [illegible]
[illegible]
[illegible]
اين حروف را نوشته با خود دارد صع صع صع
اه اه اه اه اع اع اع اع اع اع صع صع

۲۲

على سمعك وبصرك لا سلطان لك
علي ولا على سمعي ولا على بصري ولا
على شعري ولا على بشري ولا على دمي
ولا على لحمي ولا على مخي ولا عصبي ولا عظامي
ولا على اهلي ولا مال رزقني ربي سترت
بيني وبينك بستر النبوة الذي استتر
انبياء الله به من سطوات الجبابرة
والفراعنة جبرئيل عن يميني وميكائيل
عن يساري واسرافيل عن ورائي و
محمد صلى الله عليه وآله امامي والله
مطلع علي يمنعك مني ويمنع الشيطان
مني اللهم لا يغلب جهله اناتك ان
يستفزني

ويستخفني اللهم اليك التجأت برحمتك
يا ارحم الراحمين. بجهت كوفت آب
اين نقش را بر زمين كشند وآب را بر آن بگذرانند
در ساعت خوب شود واين مجرب است

ح	ح	ر
ا	ه	ط
	ر	و

منقولست از حضرت علی ابن ابیطالب ع که از برای
غایب یا آبق بنویس که اللهم ان السماء سماؤك
والارض ارضك والبر برك والبحر بحرك
وما بينهما في الدنيا والآخرة لك اللهم
فاجعل الارض بما رحبت على فلان ابن فلان
اضيق من مسك جمل وخذ بسمعه وبصره
وقلبه او كظلمات في بحر لجي يغشيه موج
۲۳
من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق
بعض اذا اخرج يده لم يكد يريها ومن لم
يجعل الله له نورا فما له من نور

۳۰

فع فع فع فع فع فع فع فع فع فع فع
بعوم ده ده ده ده هو هو اسر هم
۱۳م هر کس این مربع با خود دارد از گزند ...
نشود ابت

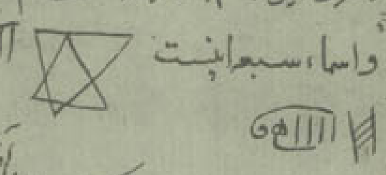
ق	ز	ا	ر
ر	ا	ز	ق
ا	ر	ق	ز
ز	ق	ر	ا

حرز حضرت امام الجن والانس علی ابن موسی الرضا علیه السلام
که مشهور است برقعه حبیب روایت کرده اند بسند
معتبر که چون آن حضرت بمنزل حمید ابن قحطبه فرود آمد
و جامه مبارک بیرون کرد حمید آن جامه را بکنیزک داد
تا بشوید کنیزک بیامد رقعه آورد که در کیسه جامه
آنحضرت بود حمید آنرا از کنیزک گرفت بخدمت آنحضرت
آورد و حضرت فرمود که این حرز من است که هرگز از خود
جدا نکنم پس حمید گفت یا مولای اگر مشرف سازی بشنیدن
شرح این حرز مرا بسیار نیکو باشد حضرت فرمود

که هر که نگاه دارد در کیسه خود بلا از آن حرز دور و حرز
باشد برای او از شیطان رجیم پس املا فرمود این حرز را
با حمید وابو الصلت روایت میکند که روزی در خدمت
آنحضرت بودم که رسول مامون آمد بطلب آنحضرت پس حضرت
فرمود که طلب او در این وقت مر امر خیر نیست اما من باکی ندارم
از آنچه اراده کرده زیرا که حق تعالی او را قدرت نمیدهد
بسبب این کلمات که از جدم بمن رسیده با من است پس من
با آنحضرت رفتم پس چون آنحضرت داخل مجلس مامون شد این حرز را
بخواند و در نزد او بنشست مامون گفت ای ابوالحسن امر کردم
که بدهند بتو صد هزار درهم پس حضرت بازگردید مامون
نظر در عقب حضرت داشت و میگفت من خواستم و خدا نخواست
حرز اینست بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
اني اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا
او غير تقي اخذت بالله السميع البصير العليم
۳۱

۲۴

وبنویسد بر کاغذ و دعای آیة الکرسی را الی آخره که مکتوب
بپیچد و در میان ... و بعد از آن بند در مکان
که قرارگاه او بود الله باز آید بفرمان الله تعالی
در کتاب جفر جامع که منسوب است بحضرت ابو عبدالله
جعفر الصادق علیه السلام منقول است که آن حضرت
فرموده است که هر کس اشکال سبعه را با خود دارد در بر و بحر
در میان امتعه و رخوت خود بندد از غرق و حرق
و سرق ایمن و سالم باشد و این اشکال اسم اعظم الله تعالی
واسماء سبعه اینست



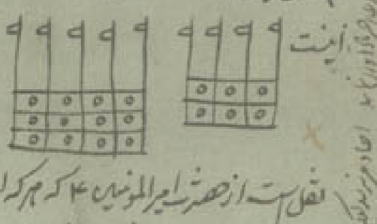
هر کس این اسماء را در روز چهارشنبه یا یکشنبه پیش از طلوع آفتاب
بر کاغذ نویسد و در پارچه کبود بندد و با خود نگهدارد
هر به برو کار کند بسم الله ...

مولهون اربعون اربعوا اربعون
ولدون شطط
ههه ۶۶۶۶۶ در خاصیت اسماء
اصحاب کهف هر کس بنویسد و با خود دارد از خوف و ترس
ایمن گردد و در رفتن نزد سلاطین بنویسد و بر بازوی راست
خود بندد معزز و مکرم گردد و در گریستن کودک بنویسد
و در زیر سر کودک نهد و در جای که آتش افتاده باشد بر خرقه
نویسد و در آتش اندازد و اگر بر چوب نویسد و در میان
زراعت نصب کند آن زراعت از آفات محفوظ ماند
تملیخا و مسلکمینا و مثلینا مرنوش
و ساذنوش مرطونس کشفیططیوش
این طلسم را بنویسد در میان چوب ... گذارد
تسلحلس و لایه الهوکم ماه اسه ...

۲۶

... نصابه ... هر که عازم سفر بود
برداشته آیه ولما توجه تلقاء مدین
تا آخر بخواند ... چون از امر
امور دنیوی بر کسی پوشیده باشد و خواهد که بر وی آشکار
شود باید که بعد از نماز خفتن بر روی رخت خواب هزار
مرتبه استغفار کند و هزار مرتبه صلوات فرستد
و یک اسم از این اسماء که یا هادی یا خبیر یا علیم
یا مبین باشد هزار مرتبه بخواند و بعد از هزار مرتبه
بگوید یا هادی اهدنی یا خبیر خبرنی یا
علیم علمنی یا مبین بین لی تا آن اسم هزار مرتبه
خوانده شود و اگر این عمل را جهت گم شده بجا آورد
طلسم که مذکور میشود با وضو بر کف دست راست نویسد
در خواب

و بخواب رود در شب اول یا سیم یا پنجم یا هفتم
که کس یا دزد در خواب بیند طلسم که بر کف دست راست نویسد
اینست



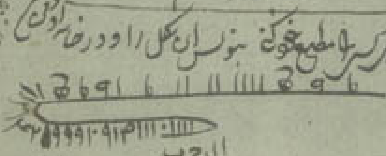
نقل است از حضرت امیر المؤمنین ع که هر که این هفت سلام
در روز نوروز بمشک و زعفران بر کاسه چینی بنویسد
و بگلاب بشوید هر که از آن آب قطره بخورد تا سال آینده
هیچ درد و الم بوی نرسد و از جمیع بلاها ایمن باشد
و زهر گزندگان بر وی کار نکند سلام قولا من رب
الرحیم سلام علی نوح فی العالمین سلام
علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار
سلام هی حتی مطلع الفجر سلام علی
ابراهیم سلام علی موسی و هرون
سلام علی آل یس
۹

یا محوّل الحول والاحوال حوّل حالنا الی
احسن الحال حضرت فرمود که هرکس کار...
و وسعت رزق باید که این دعا را بنویسد و در میان
نقره گذارد و اگر نقره نباشد بر کاغذ زرد نویسد
و در موم گیرد و با خود نگاه دارد سه هفته بر نیاید
که خدای تعالی او را توانگر گرداند و هیچ نداند که برکت
از کجا می آید و چندان برکت و جمعیت روی د[هد]
که عدد آن نداند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله
القریب الرؤوف الرحمن الرحیم یا الله
الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتّح
الابواب افتح علی صاحب کتابی هذا
العبد ابواب فضلک وابواب رحمتک
وابواب رزقک وابواب کرامتک وابواب

نعمتک

نعمتک وابواب سعادتک وابواب
سلامتک وابواب عظمتک وابواب
رفعتک وابواب برکاتک وابواب منّتک
وابواب احسانک وابواب مرضاتک
وابواب قناعتک وابواب الغناء وابواب
الجنة اللهم انت تکفّل برزق کل
دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی
صراط مستقیم وما افضل ما اعطی وما
حسن من ادعی اللهم انی اسئلک بمحمد
وآله وبجمیع المؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین
صیغه توبه منقول است بسم الله الرحمن الرحیم
انی استغفر الله العظیم سه نوبت بگوید

و بعد از آن نیت کند که اتوب عن الفسق
و عن جمیع الآثام لوجوبه قربة الی الله
بعد از آن بگوید اشهد الله وجمیع ملائکته
وکتبه وانبیائه ورسله والائمة
المعصومین وجمیع خلقه انی نادم
علی ما سلف منی من الذنوب والمعاصی
ومعترف بها وانی جازم علی ان لا
اعود الیها وقد عاهدت الله علی ذلک
الف عهد ولو ارجع فی عنقی یطالبنی
به یوم القیمة برحمتک یا ارحم الراحمین



طریق دانستن ستاره که هر روز در کجا باشد
اوّل و یازدهم و بیست یکم در مشرق باشد
دوم و دوازدهم و بیست دوم مابین مشرق و جنوب
سیم و سیزدهم و بیست سیم در جنوب
چهارم و چهاردهم و بیست چهارم مابین جنوب و مغرب
پنجم و پانزدهم و بیست پنجم در مغرب
ششم و شانزدهم و بیست ششم مابین مغرب و شمال
هفتم و هفدهم و بیست هفتم در شمال
هشتم و هجدهم و بیست هشتم مابین شمال و مشرق

۳۲

جهت غنی شدن هر روز بعد از نماز بامداد
یکبار بخواند البته توانگر شود و دعا اینست
مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ
حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

یادداشت [illegible]

۳۳

نهم و نوزدهم و بیست نهم در تحت الارض است [illegible]
دهم و بیستم و سیم در آسمان باید [illegible]

دوازده ماه

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان
عقرب قوس جدی دلو حوت

دانستن طریقه عقرب که هر ماه در کدام برج میباشد
باید که بر این نحو حساب کند

۳۴

اتفاق در خدمت ایشان افتاد بعد از صحبت [illegible]
با هم دیگر فرمودند که هر کس در [illegible] یکصد یازده بار
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد از آن یکصد بار بخواند
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و بعد از تسبیح مذکور یکصد یازده مرتبه صلوات بفرستد
هر [illegible] و سیله های غیبی و سبب لا سبب درست [illegible]
و فرمودند مجرب و آزموده شده است
مسموع [illegible] فرمودند که این عمل غریب [illegible]
[illegible]

والله اعلم بالصواب

جهت نزار

۳۵

جهت نزار بر تخم مرغ سیاه بنویسد و بپزد
و زرده آن را بصاحب نزار دهد بخورد و سفیده
آن را با پوست در مقبره کهنه دفن کند شفا یابد ان شاء الله

[illegible]

دعای صبح نوروز باید خواند و گوید یکصد و شصت مرتبه
يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا
إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

ازجهت وسعت رزق هر روز وقت صبح بعد از نماز

ده مرتبه بخواند مجرب و آزموده است

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

[illegible]

پس اگر روح را با نفس [illegible] معقد ساخت اندر عالمین

بسم الله الرحمن الرحیم

برای ترقی درجات هر روز چهل بار بخواند [illegible]

أَنَا الْمَوْجُودُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

فَإِنْ تَطْلُبْ سِوَائِي لَمْ تَجِدْنِي

منم موجود طالب کی؟ چرا در حضرت ما بی نیازی

مجو غیر ما را هیچ گاه اگر شایسته درگاه مایی

مرا هرگز نخواهی یافتن تو که با غیرم گرفتاری

برای طلب جاه ازنزد پادشاه سیصد بار بخواند

أَنَا الْمَقْصُودُ لَا تَقْصِدْ سِوَائِي

كَثِيرَ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

جز مقصود بایشم از عالم مجو غیر ما را [illegible]

خلایق را منم خلاق بیشک زمن موجود [illegible]

اگر جویی مراد خاطر [illegible] من ابن در دائما [illegible]

برای دفع شر ظالمان هزار بار بخواند

أَنَا الرَّبُّ الَّذِي يُخْشَى عَذَابِي

جَمِيعُ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم پروردگار جمله عالم ترا جز من نباشد هیچ مقصود

بترسد از عذابم خلایق خلایق را بجز من نیست معبود

اگر جویی مراد خاطر خود که طالب نیست زین درگاه مردود

برای بزرگ رفعت ده هزار بار بخواند

أَنَا الْمَلِكُ الْمُهَيْمِنُ جَلَّ قَدْرِي

عَظِيمُ الْمُلْكِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم کز شاهی قدرم عظیم است بسوی خلق الطافم عمیم است

بفضل خویش عالم را بخشم که عالم در پناه من قدیم است

اگر جویی مراد خاطر خود که ذات من کریم است [illegible]

براي طلب حصول مرادات سيصد و شصت بار بخواند

كر بخواند ازو حي كار — مبارك سودا مانند رخان

أَنَا الْمَعْبُودُ لَا تَعْبُدْ سِوَائِي
أَنَا الْجَبَّارُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم موجود جز من نيست غير — نسوزد هيچكس از بندا سيرت
بغير از من معبود هر كز — بكن بر وار سوي ما چو طير
اكر جوئي مراد الحال يابي — پرستش را الجز من نيست غيري

اكر در بيابان راه كم كرده باشد چهار بار بخواند

أَنَا لِلْعَبْدِ أَرْحَمُ مِنْ أَخِيهِ
وَمِنْ أَبَوَيْهِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

اكر چه شد پدر مادر بر كور — و يا خود كس از من مهربانتر
بلطف خويش آكه م را كريم — كه شد فضلش ملايك
اكر جوئي مراد الحال يابي — كه من هركز نبستم بر كسي در

اكر در بيابان تنها مانده باشد صد بار بخواند

تَجِدْنِي فِي سَوَادِ اللَّيْلِ عَبْدِي
قَرِيبًا مِنْكَ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

مرا اندر شب تاريك يابي — ز جان خويش هستم نزديكتر
مرا از ديك بيوسته ميدان — اكر خواهي در آن دم آشنا
اكر جوئي مراد الحال يابي — نمي يابي اكر دايم بخواني

براي برامدن حاجات و دفع آفات سيصد بار بخواند

تَجِدْنِي فِي سُجُودِكَ حِينَ تَدْعُوا
وَحِينَ تَقُومُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

مرا اكر بنده در سجده بخواني — و يا در توبه ذكر براي
مرا در سجده هستم — بيا با هر كي باشد
اكر جوئي مراد الحال يابي — بيا در

براي مهربان شدن سه هزار بار بخواند مهربان شود

اكر بندليست بند ازو — چه بيمار ازو صحت ايد

تَجِدْنِي رَاحِمًا بَرًّا رَؤُوفًا
بِكُلِّ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

رؤف و راحم و بر و بد كس — منم موصوف ان اوصاف ذو البس
اكر جوئي مراد الحال يابي — اكر مايي كه با من

براي القصه و شصت بار بخواند

تَجِدْنِي وَاسِعًا لِلْخَلْقِ عَبْدِي
أَنَا الْمَذْكُورُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

فراخي در جهان از من بيابد — امور بسته از من كشايد
منم مذكور ذكر من هر كونا — اكر خواهي برستن از عذابي
بيا با هر كي جون با اخلاص — ترا از مبتلا حستم

بجهت كشايش رزق هر روز سيصد بار بخواند

تَجِدْنِي وَاحِدًا أَحَدًا عَظِيمًا
كَثِيرَ الْبِرِّ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم واحد احد عظيم — ز بس احسان موصوف كرم
بدل جان معتقد باش بوحدت — كه بر هر بنده ام فرض
اكر جوئي مراد الحال يابي — كه بر هر كار تو صانع حكيم

براي صد بار بخواند

تَجِدْنِي مُسْتَغَاثًا بِي مُغِيثًا
أَنَا الْقَهَّارُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم فرياد رس درماندگانرا — منم قهار و قاهر
اكر جوئي مراد الحال يابي — چه خواهي كو

برای غم واندوه هزار بار بخواند

اکر بار غم زار برین ماند بخواند این دعا تا باز ماند

اذا اللهفان نادانی کظیما

اقل لبیک فاطلبنی تجدنی

کر اندوهی رسد ما را بجانی کنم لبیک کر جو تو ندایی

کنم حاجات تو جمله روا دار ولی بیا یاد من هر کز نیایی

اکر جویی مرا خالی بیابی منم رحمن بر عاصی برایی

اکر گناه بسیار کرده باشد هر روز بخواند

اذا المضطر قال الا ترانی

نظرت الیه فاطلبنی تجدنی

اکر بیا کوید که یا رب بسوزم بیابان از لطف

به بینم در زمان او را [illegible] کنم برتر مراد او را [illegible]

اکر جویی مرا خالی بیابی ایا طالب بجز من نیست مطلب

بجهة فرزند شدن روز جمعه هزار بار بخواند

اذا عبدی عصانی لم تجدنی

سریع الاخذ فاطلبنی تجدنی

کنه کاران اکر آرد کناهی نیارد تو به تا سالی و ماهی

بکیرم در زمان او را بعصیان دهم او را الجلم [illegible] پناهی

اکر جویی مرا خالی بیابی بجانب [illegible] نمایم بر تو راهی

اکر زن عقیمه باشد هر روز جمعه هزار بار بخواند

فان هو تاب تبت علیه عبدی

انا التواب فاطلبنی تجدنی

بس انکه کر کند نو کناهی کنم بروی بخشایش نکاهی

چنان جایی دهم او را بجنت که بنود الجنان [illegible]

اکر جویی مرا خالی بیابی مرا [illegible] که از تو کناهی

برای حاجات روز جمعه هزار بار بخواند

ومن مثلی واین یکون مثلی

فلیس یکون فاطلبنی تجدنی

بکو مثلم کی باشد نباشد بجز من کس خدا باشد نباشد

منم لایزال بیچون چکونه بفکرت درک در ذاتم نباشد

اکر جویی مرا خالی بیابی بجز من الجنان باشد نباشد

برای دفع ظالم هر روز صد بار بخواند

هلم الی لا تقصد سوائی

انا المنان فاطلبنی تجدنی

بیا بستان [illegible] که جز من خالق دیگر ندارد

مجو غیر من در هیچ [illegible] بخواطر نا امیدی را میار

اکر جویی مرا خالی بیابی بیا ای [illegible] برار

برای امان

برای امان یافتن از دوزخ سیصد بار بخواند

اتذکر لیلة نادیت سرا

الم اسمعک فاطلبنی تجدنی

اکر با من کنی در دل نهانم ترا از لطف خود هر دم بخوانم

منم صانع [illegible] مر اسرار ترا [illegible] دانم

اکر جویی مرا خالی بیابی که من نزدیک تو از دل و جانم

برای دفع فاقه هزار بار بخواند روزی از غیب رسد

فلا یخیبک یا عبدی سوائی

من النیران فاطلبنی تجدنی

منم منجی ترا از بیم نیران ترا جز من بدنیا نیست رحمان

بر حصن من تو [illegible] که بر عالم مرا جاریست فرمان

اکر جویی مرا خالی بیابی که من نزدیک هستم [illegible] جانم

اکر از کسی نعمتها رفته باشد هزار بار بخواند

وكبش بهلك الفردوس عنري

أنا الرزاق فاطلبني تجدني

ترا در جنت الفردوس مسكن · كه من بخشم ترا از بنده خرم

اگر جويي مرا غافل نباشي · ترا جز حضرت من نيست ملجا

براي هر مقصودي اين را سيصد بار بخواند

أهل في الخلق من يعطي جزيلاً

سواي لئيس فاطلبني تجدني

بجز من كس عطايي را نبخشد · جداي هر گدايي را ببخشد

ندانم كيست كو بخشد به زر كه · بجز من كس بقايي را ببخشد

اگر جويي مرا غافل نباشي · كه جز من كس جزايي را نبخشد

هر كس هشت هزار بار بخواند از غم و عقوبت نجات يابد

أتعرف غافراً للذنب غيري

أنا الغفار فاطلبني تجدني

شنو سر غير من آمرزگاري · برا از بنده منم عالم نگاري

گناه جمله را بخشم بجايي · بجز من نيست ديگر رستگاري

اگر جويي مرا غافل نباشي · كسي اين كم كند يابد قراري

براي دور شدن اندوه هزار بار بخواند

سأغفر للعبادي ولا أبالي

غداة الحشر فاطلبني تجدني

بيا من زمن بفرداي قيامت · ببخشم مؤمنان را از كرامت

كه باك از كس اندران روز · بدست من بود ملك سلامت

اگر جويي مرا غافل نباشي · كه جنت عزيزي گردد ملامت

49

اگر غمگين گرده باشد يكهزار و صد بار بخواند

وأكرم من أريد بلا حساب

50 أنا الوهاب فاطلبني تجدني

دهم عزت من آنكس را كه خواهم · كه من جميع خلايق را پناهم

فرستم باصحاب اسرار الجنت · كه عالم را منم بخشنده شاهم

اگر جويي مرا غافل نباشي · ترا بخشم دمادم خوش نگاهم

جهت روشني دل يكهزار يكصد بار بخواند

وأرحم من عبادي من عصاني

بحمل منه فاطلبني تجدني

ببخشم من گناه عاصيان را · رهانم جاهلان را هم عذابرا

مرا هر كس كه مي جويد بيابد · بفضل خويش بخشم جاهلان را

اگر جويي مرا غافل نباشي · نخواهم هم مگر صاحبدلان را

براي طلب دنيا نهصد بار بخواند غني گردد

وأكرم من يتوب إلي خوفاً

لي الإكرام فاطلبني تجدني

زهيم من اگر لولو رنايع · نگردد خاطرت هرگز پريشان

اگر جويي مرا غافل نباشي · كه هر دشوار را گردانم آسان

براي طلب دنيا هر قدر كه تواند بخواند

لي الآلاء والنعماء عندي

51 لي الخيرات فاطلبني تجدني

مرا از بنده نعمتها تمام است · ولي واصل نبود در صبح و شام است

ز من خيرات جاري هر زمانه · دگر انعام من هر لحظه عام است

براي عزت و حشمت يكهزار و صد بار بخواند

لي الدنيا وفيها جميعاً لي الملكوت فاطلبني تجدني

مرا ملکست این دنیا و ملکوت   مطیع من همه عالم ز ناسوت
ز عرش و کرسی جز من کسی دانست   دگر هفت آسمان هم جابجا هست
مرا با ذکر من جویی بیابی   ز ما یابی با نشانه ذکر من شناسی

برای بیمار بار بخواند شفا یابد

أتعرف من له إسم كأسمي
أنا الرحمن فاطلبني تجدني

چو نام من کسی را نیست جز تو   بجز من نیست علام کلهو
منم آن مهربان کز من ببخشم   جوان و پیر را انعام بخشم

برای دفع دشمنان هزار بار بخواند دفع گردد

أتعرف من يغيث الخلق غيري
من النيران فاطلبني تجدني

بجز من هیچ کس فریاد رس نیست   مغیث بجز من هیچ کس نیست

اگر جویی مرا یابی   مگر در خاطر تو این هوی نیست

اگر کسی را بخت کشته باشد بیست هزار بار بخواند

أتعرف ساتراً للذنب غيري
أنا الستار فاطلبني تجدني

شناسی غیر من کس عیب پوشی   بجز من جانب دیگر بکوشی
منم ستار جمله عیبها   نفس با کسی از آن بگوی
اگر جویی مرا یابی   بجز من کیست جانب ورچه

اگر میان زن و شوهر نزاع باشد هزار بار بخواند

أتعرف من يقول للشيء غيري
يكن فيكون فاطلبني تجدني

کن موجود جمله عالم   چنین دعوی مرا باشد مسلم
بغیر من که باشد اینچنین که   بجز من نیست دیگر هیچ اعلم

اگر جویی مرا یابی   بجستن من بیابی بکام مردم

برای عزت دولت اگر بیست هزار بار بخواند

أتعرف منقذاً غيري سريعاً
من الهلكات فاطلبني تجدني

رهاننده منم دایم دگر کس   که زینهار بخواهی زود بس
رهاننده منم از جمله آفات   که مددگارم از آن بار سرکس
اگر جویی مرا یابی   رسم راه کوی مرا رس

برای دفع بلا و مرض هر روز سیصد بار بخواند

أتعززني فلم ترقط مثلي
ولست تراه فاطلبني تجدني

عزیز من مرا عزت دایم   بذات خود بعون خلق قایم
اگر جویی مرا یابی   چرا از بندها میکرد بلایم

اگر همیشه بخواند از بلاها نجات یابد

أنا الله الذي لا شيء مثلي
أنا الديان فاطلبني تجدني

منم صاحب بغیر من فرو نیست   مرا هستی و انوار الله نیست
خلایق جمله عالم معتقدات   منم دیان و دیگر کس صمد نیست
اگر جویی مرا یابی   بقلب مؤمنان دیگر احد نیست

برای مهربان شدن ملک وغیره سیصد بار بخواند

أنا الملك الملوك لكل ملك
لي الميراث فاطلبني تجدني

مراست اسم بسر مال عالم   مرا میرسد برسر شاه اعظم
مرا میراث جمله ملک دوران   بجز من نیست دیگر شاه اعظم

بجهت فتح خزانه غیب چهل روز هر روز یکهزار بار بخواند

أنا افني الدهور وقبل قبل
وبعد البعد فاطلبني تجدني

فِي الرِّزْقِ وَصِحَّةً فِي الْجِسْمِ وَطُولًا
فِي الْعُمُرِ وَتَوْبَةً قَبْلَ الْمَوْتِ وَرَاحَةً
عِنْدَ الْمَوْتِ وَمَغْفِرَةً بَعْدَ الْمَوْتِ
وَنَجَاةً مِنَ النَّارِ وَدُخُولًا فِي الْجَنَّةِ
وَعَافِيَةً فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا بِلُطْفِكَ
وَكَرَمِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

کنم فانی ہمہ عالم بقربان مرا بسر رسد از ہر بشر جان
کہ بعد از بعد باسم ہو عظیم بغیر از من نباشد زندہ باجان
٥٦ اگر جوئی مراد الحال یابی کہ این عالم ہمہ فانی بقین

برای مرادات دین و دنیوی از بر بخواند

أَنَا الْوَهَّابُ يَا عَبْدِي سَرِيعًا
وَفِي الْعَهْدِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم بخشندۀ جرم و کبائر عبادت مجلس بروا نداریم
کسی کو معذرت آرد بیشم پذیرم جرم و در عرش درارم
اگر جوئی مراد الحال یابی عطا ئی میکنم بر و جوان

اگر کار بستہ باشد یکبار ہشت ہزار بار بخواند

أَنَا الْفَرْدُ الْمُدَبِّرُ فَوْقَ عَرْشِي
بِلَا التَّكْلِيفِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

منم واحد احد بر بام اعلا ہمہ عالم ز من گشتہ معلّا

وکن یا ان ما را عفو کن وجواب سوال منکر ونکیر و
احوال قبر بر ما آسان گردان وجنات النعیم روزی گردان
بحق محمد وآلہ اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

نقل است از بزرگان دین کہ دہ موضع در آیۃ کریمہ آیۃ الکرسی
وقف است ہر کہ در می خواندن ملاحظہ نماید وبر وقف کہ برسد
بایستد ویک انگشت عقد کند ودست بدرگاہ بی نیاز بر دارد
وچون آیۃ الکرسی تمام کند دستہا را بر روی خود مالد وبر جمیع
اعضای خود مالد از امراض وعلل وآفات وبلیات محفوظ
ماند واگر کسی را مہمی پیش آمدہ در آن عاجز باشد باید
کہ طہارت سازد وبہ نیت کل مہم آیۃ الکرسی را بخواند
٥٩ وچون بہ این طریق بخواند شفیع عند او رسد آن مہم را انجام گرداند
تیغ کار بد عادا دو اگر کسی را دشمن صعب شد و باو

براے جملہ موجودات سرار کہ ہر راز را منم واحد نگاہدار
اگر جوئی مراد الحال یابی بیا با وصف عالم کلدار

وصلی اللہ علی خیر خلقہ ونور عرشہ محمد وآلہ واصحابہ
اجمعین الطیبین الطاہرین برحمتک یا ارحم
الراحمین تمّ تمام شد دعای سریانی

۱۲۳۳

٥٧

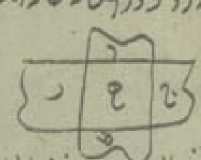
فاتحہ بعد از نماز

إِلٰهِي بِأَخَصِّ صِفَاتِكَ وَبِعِزِّ جَلَالِكَ وَ
بِأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ وَبِعِصْمَةِ أَنْبِيَائِكَ
وَبِنُورِ أَوْلِيَائِكَ وَبِدَمِ شُهَدَائِكَ وَ
بِهُوَ بِدُعَاءِ صُلَحَائِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
زِيَادَةً فِي الدِّينِ وَالْعِلْمِ وَبَرَكَةً
ارْحَمْ بَعْضَنَا وَمَسْكَنَتَنَا وَتِلْكَ حِيلَتَنَا وَاجْعَلْ
عَلَيْنَا بِالْجَنَّةِ وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ وَاجْمَعْ لَنَا

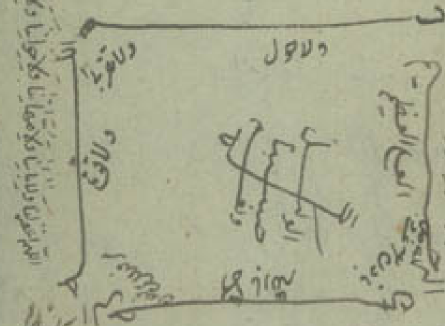
بقاء دولت برنیاید مغلوب و مقهور شدن او بنیاد
خواندن کند و چنین بیان فرموده معلم مابین ایدیهم ترسد
انگشتر را بخواهد بگذارد البته انگشتر معمور شود و قاری آیة الکرسی
بر فور ظفر یابد و اگر پیش از برآمدن آفتاب و بعد از
نماز بامداد فاتحة الکتاب بخواند و هفت مرتبه آیة الکرسی
با ترتیب بخواند اول بدست راست بدمد ۲ بدست چپ
۳ به پیش روی خود ۴ به پشت سر ۵ بالای سر خود و بر زمین
۷ بکف خود بدمد و دست خود را بر تمام اعضای خود مالد
و بر نظر سلاطین رخ و حرمت او شود و هم شفقت او شود
و اگر ۳ بار بخواند بر کف دست خود بدمد و بر روی خود بمالد
این خاصیت دارد و اگر کسی خواهد میان زن و شوهر
محبت ظاهر شود چنانچه یک [illegible] بکند [illegible] بخواند باید که
در مسجد جامع و غیره شش رکعت نماز کند بیک سلام و در

هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی هفت بار بخواند
و چون از نماز فارغ شود آیة الکرسی چهل یکبار بخواند
بر چهل یکدانه فلفل سفید و یک یک را به اسم انگشت در آتش
اندازد از عشق او بی قرار گردد و اگر کسی خواهد که زن را
تعقد خود در آورد آیة الکرسی را بر پشت دار موز بخواند
و بخورد انگشت دهد بی قرار گردد بنگاه او در آید اگر کسی
آیة الکرسی در ساعت زهره بنویسد از روی اعتقاد
با خود دارد محبوب جمیع دلها شود و اما کرام عمل نکند
کرده بالایست اگر خواهد تیز فهم شود و علم امور او معلوم شود
٦١ آیة الکرسی را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و با آب قند(؟)
بشوید و بخورد مجربست اگر خواهی کسی را آواره
و سرگردان کنی دو شنبه هیچ کار در نرسد اسم او [illegible]

بجای ع ح بگذارد و در آستانه خانه انگشت دفن کند
با استعمال رسیدا(؟)



عدد آیة القینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة
۳۳۳۲ عدد ما رسیت از میت [illegible]
جهت تب لرز بنویسد و در زیر سر مریض گذارد مجربست



جان ترا بگوش ترا بند تو کوان(؟) بهم جهتی باید [illegible]

رب اغفر لی ولوالدی وارحمهما کما ربیانی صغیرا واجزهما بالاحسان احسانا انک انت الغفور الرحیم [illegible]

از [illegible]

[illegible]

[illegible]

عدد	طبع	ربع
۲۱۱۶	۲۰۸۶	۵۲۱

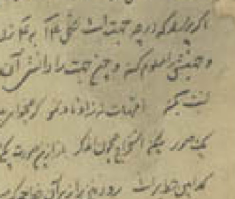
۵۳۰	۵۲۶	۵۲۳	۵۲۷
۵۲۴	۵۳۶	۵۳۱	۵۱۵
۵۳۵	۵۲۱	۵۲۸	۵۳۲
۵۲۷	۵۳۳	۵۲۴	۵۲۲

[illegible]

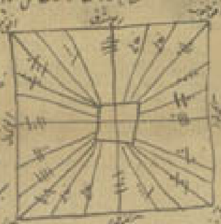
[illegible]

[illegible]

[illegible]



۶۸



۷۰

۶۹